

## بیمارستانها:

نخستین بیمارستانی که وابسته به یک مرکز آموزشی و پژوهشی در جهان ایجاد گشته، مرکز پزشکی جندی شاپور بوده است. دانشگاه جندی شاپور و بیمارستان آموزشی آن تا سی سال پس از نفوذ اسلام در ایران نیز پابرجا بوده و در پیدایی و تغذیه دیگر دانشگاهها، بیمارستانها و پژوهشکده‌ها نقش عمده‌ای را ایفا می‌کرد (۲، ۱).

نخستین بیمارستانی که در جهان اسلام در سال ۷۰۷ میلادی به فرمان ولید بن عبدالملک در دمشق ساخته شد نیز بر اساس الگوی بیمارستان دانشگاه جندی شاپور بنیاد شد (۳، ۴). پس از آن، در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی بیمارستانهایی با همین الگوی پیشرفته بیمارستان دانشگاه جندی شاپور آغاز به خودنمایی نمودند، تا آنجا که قرطبه در قرن دهم میلادی دارای چندین بیمارستان بود. اصولاً رشد و نمو بیمارستانهای آموزشی در متن فرهنگ علوم پزشکی اسلام از نشانه‌های برجسته تمدن اسلام قلمداد می‌شود (۵).

پذیرش در این بیمارستانها بدون در نظر گرفتن وضعیت اجتماعی، مذهبی، فکری و نژادی بیماران انجام می‌پذیرفت و درمان رایگان تمامی قشرهای اجتماعی، اقتصادی جامعه را شامل می‌شد (۶، ۷). این بیمارستانها، زیر نظر دولت، با ریاست پزشکانی که سرآمد پزشکان دیگر بودند اداره می‌شدند. مانند رازی که ریاست بیمارستان بغداد را به عهده داشت (۸). پزشکانی که در بیمارستان به کار گماشته می‌شدند از برجسته‌ترین پزشکان شهرهای بغداد، دمشق، قاهره و ... بودند که

آموزش دانشجویان پزشکی را نیز بعهدہ داشتند (۹، ۱۰).

سیستم کلاسیک مدیریت در بیمارستانهای امروزی، نمایی از نظام مدیریت در بیمارستانهای اسلامی است. این بیمارستانها دارای بخش‌های جداگانه‌ای برای دو جنس مرد و زن بودند که توسط پرستاران همان جنس وابسته کنترل می‌شدند. هریک از این بخش‌ها خود نیز به بخش‌های بیماریهای داخلی، ارتوپدی، چشم‌پزشکی و جراحی عمومی تفکیک می‌شدند. در بزرگترین سالن که وابسته به بخش داخلی بود، بیماران مبتلا به عفونت‌های مجاری تنفسی و دستگاه گوارشی و دیگر عفونتهای تب‌زا را از دیگر بیماران جدا می‌کردند. هر یک از این بخشها خود دارای بخشی جداگانه‌ای برای بیماران رو به بهبودی بودند که در آنجا این بیماران به سرگرمی‌های تفریحی و موسیقی می‌پرداختند. بهداشت در سرتاسر بخش‌ها رعایت می‌شد و بیماران می‌توانستند با استفاده از سیستم مجهز آبرسانی بیمارستان به استحمام روزانه پردازند. داروهای گوناگونی از گوشه و کنار کشورهای اسلامی در داروخانه بیمارستانها یافت می‌شد که مورد استفاده بخش‌ها قرار می‌گرفت. در مجاورت بیمارستان نیز خوابگاههایی ویژه دانشجویان و کارکنان بیمارستان وجود داشت (۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴).

تالار بزرگی که جهت برگزاری کنفرانس‌های پزشکی برپا شده بود در کنار مجموعه‌ای نفیس از جدیدترین کتابها و نوشتارهای پزشکی که در کتابخانه ویژه این بیمارستانها جای داشت سیمای آموزشی و پژوهشی این مراکز درمانی را هر چه بیشتر جلوه‌گر می‌ساخت. تنها در کتابخانه

بیمارستان طولون *Tulun* که در قاهره در سال ۸۷۲ میلادی ساختمان آن به پایان رسید ۱۰۰/۰۰۰ جلد کتاب موجود بود (۱۵). هر بیمار بستری، پرونده‌ای داشت که در آن توصیفی از نشانه‌های بالینی، روش و نتیجه درمان وی در آن نگارش یافته بود. این پرونده‌ها در بایگانی وابسته به هر بیمارستان نگه داشته می‌شد. همین یادداشتها و پرونده‌ها بودند که منبع مواد خام پژوهشی دانشمندان و پزشکان مسلمان را تشکیل می‌دادند.

از دید درمانی، هر بیمارستان دارای دو سازمان درمانی بود. یک بخش شامل بخش بیماران درمانگاهی و دیگری بخش بیماران بستری بود. دانشجویان پزشکی در این درمانگاهها با مشاورت استادان خود بیماران را مورد معاینه و درمان قرار می‌دادند. بیمارانی را که نیز به شدت بیمار بودند و درمان درمانگاهی و سرپایی برایشان کافی نبود برای درمان بیشتر در بخشی که ویژه آن بیماری بود بستری می‌شدند (۱۱).

ساخت بیمارستان عضدی که بفرمان عضدالدوله دیلمی، فرمانروای آل بویه، در شهر بغداد آغاز شد، در سال ۹۸۱ پس از میلادگشایش یافت. چنین پیداست که عضدالدوله نه تنها در مورد عظمت فیزیکی ساختمان بیمارستان و تجهیزات آن بلکه نسبت به کیفیت پزشکان و کارکنان آن توجه فراوانی داشته است. این بیمارستان آموزشی دارای دانشجویان پزشکی *Interns* و پزشکانی که آموزش تخصصی خود را می‌گذراندند *residents* بود. بیست و چهار استاد برجسته *Consultants attending* در رشته جراحی و طب داخلی کادر درمانی

این بیمارستان مجهز را تشکیل می‌دادند (۱۶). این بیمارستان تا قرن ۱۳ میلادی پا برجا بود.

یکی از بهترین بیمارستانهای اسلامی، بیمارستانی بود که در مراکش در شمال آفریقا در سال ۱۲۰۰ تأسیس شده و عبدالواحد المراكشی درباره آن چنین نوشته است:

«در اینجا بیمارستانی ساخته شده که تصور می‌کنم در دنیا بی نظیر باشد. ابتدا فضای باز و وسیعی در هموارترین نقطه شهر انتخاب شد. بعد به معماران دستور داده شد بیمارستانی در نهایت کمال بسازند. پس هنرمندان و صنعتگران آنرا به زیبایی آراستند و چنان تزیین کردند که انتظارش نمی‌رفت. انواع مختلف درختان زمینی و درختان میوه در آن کاشته شد. آب به فراوانی در تمام اطاق‌ها جاری بود و به علاوه در مرکز بنا چهار مرکز استخر بزرگ بود که کف یکی از آنها با مرمر سفید مفروش گشته بود. بیمارستان با قالی‌های ارزنده‌ای از پشم، پنبه، ابریشم و چرم درست شده بودند، مزین شده بود. این قالی‌ها بقدری زیبا و بدیع بودند که من حتی نمی‌توانم آنرا توصیف کنم. بودجه روزانه‌ای به مقدار سی دینار برای جیره غذایی، خارج از هزینه دارو و مواد اولیه‌ای که برای ساخت شربت‌ها، روغن‌ها و قطره‌های چشمی لازم بود، تعیین شده بود. به علاوه بیماران یک دست لباس شب و یک دست لباس

روز که در زمستان کلفت و در تابستان نازک بود، در اختیار داشتند. چون بیمار درمان می شد، اگر بینوا بود هنگام مرخصی از بیمارستان مبلغی پول که بتواند معاش او را تا چندی تأمین کند، دریافت می داشت. بیماران توانگر نیز در هنگام مرخص شدن، لباس ها و پول های خود را تحویل می گرفتند. خلاصه مؤسس بیمارستان استفاده از آن را محدود به توانگران یا تهیدستان نساخته بود. بر عکس هر بیگانه ای که در مراکش ناخوش می شد به آنجا منتقل می گردید و تا بهبودی کامل یا مرگ تحت مداوا قرار می گرفت. شاهزاده هر روز جمعه پس از اقامه نماز ظهر، اسب خود را سوار می شد و به عبادت بیماران می رفت و از حال یک یک آنان جویا می گردید و معمولاً سؤال می کرد، چطور هستید؟ و چگونه درمان می شوند؟ این عادت شاهزاده تا آخرین روز حیات وی ادامه داشت.»

دکتر گوستاولوبون درباره چگونگی بیمارستانهای اسلامی در اثر پرازش خود بنام تمدن اسلام و عرب چنین می نویسد:

«بیمارستانهای مسلمین موافق اصول حفظ الصحه و بهداشت بنا شده و از بیمارستانهای امروز بهتر بوده است. این بیمارستانها خیلی وسیع و جریان هوا و آب در آنها زیاد بوده است» (۱۸).

چون دولتهای سرزمین های اسلامی نگران وضعیت بهداشتی جامعه

مسلمانان بودند، سازمان بیمارستانی و درمانی ارزش بسزایی یافت و دولت از تأسیس بیمارستانها و مراکز درمانگاهی همواره پشتیبانی می‌کرد. از این رو سلطان الملک المنصور قلاوون برای بنای بیمارستان بزرگ المنصوری قاهره از هیچ تلاشی دریغ نکرد. او برای برپایی این بیمارستان، دژی را که مکان اقامت شاهزاده‌ای بود ویران نمود و از سنگها و ستونهای مرمر آن این بیمارستان بزرگ را بنا نمود. او تمامی هنرمندان و معماران قاهره و مصر را برای برپایی این بیمارستان فرا خواند و خود او نیز روزانه به این ساختمان سرکشی می‌کرد و در کار ساخت آن با دستهای خود در کنار کارگران دیگر بکار مشغول می‌شد. شاهکار هنری این ساختمان و سیستم شگفت‌انگیز مدیریت آن، آنرا برای همیشه در قلب تاریخ بیمارستانها جاودان نموده است. به بیمارانی که بهبودی خود را بدست آورده بودند در هنگام ترک از این بیمارستان، پنج سکه طلا برای گذران زندگی‌شان تا بدست آوردن مجدد توان جسمی آنها داده می‌شد (۱۹، ۲۰).

## منابع:

- ۱- مطهری، مرتضی: خدمات متقابل اسلام و ایران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱. ج ۲، ص ۸-۹.
- ۲- فرشاد، مهدی: تاریخ علم در ایران. امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۷-۱۰۴.
- ۳- همان پیشین، ص ۸۴۸.
- ۴- غنیمه، عبدالرحیم: تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ترجمه نور الله کسائی. دانشگاه تهران، ۱۳۷۲. ص ۹-۱۶۸.
- 5- Lyons AS: *Medicine - An Illustrated History*. New York, H.N. Abrams Inc, 1978. PP.295-317.
- ۶- براون، ادوارد: تاریخ طب اسلامی، ۱۳۶۴. ص ۱۴۰.
- 7- Shanks NJ: *Arabian medicine in the middle ages*. JR SOC Med 1984, 77:63.
- ۸- نصر، حسین: علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، خوارزمی، ۱۳۵۹. ص ۱۸۵.
- ۹- شبلی، احمد: تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰. ص ۱۰۸.
- 10- Pushmann T: *A Histoty of - Medical Education*, NewYork, Hafner Publishing Company, Inc, 1966. P. 172.
- 11- Syed IB, Levisvill. KY: *Islamic Medicine, 1000 years ahead of its times*. Y Islamic Med ASS, 1981,

13(1):7.

۱۲- زرین کوب، عبدالحسین: کارنامه اسلام، امیرکبیر، ۱۳۶۲. ص ۹-۵۷.

۱۳- علم در اسلام، به اهتمام احمد آرام، سروش، ۱۳۶۶. ص ۱۶۵.

۱۴- همان شماره ۶. ص ۱۴۰-۱۳۸.

15- Haddad FS: *Leb Med J*, 1973. 26-331-346.

16- Shahine YA: *The Arab Contribution to Medicine.*

London, 1971.P.10.

۱۷- الگود، سیریل: تاریخ پزشکی ایران. امیرکبیر ۱۳۵۶. ص ۶-۲۰۵.

۱۸- لوبون، گوستاو: تمدن اسلام و عرب. کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۷. ص

۶۱۴.

۱۹- همان مرجع شماره ۱۰. ص ۷-۱۷۵.

۲۰- عیسی بک، احمد: تاریخ بیمارستانها در اسلام، ترجمه نورالله کسائی.

مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۷۱. ص ۹۰-۷۳.